

ام کلثوم، دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، از زنان برجسته شیعه و از زنان فاضل عصر خویش. ابن شهر آشوب در المناقب می نویسد که معاویه به والی خود در مدینه، مروان بن حکم، نوشت که از ام کلثوم دختر عبدالله بن جعفر برای پسرش یزید خواستگاری کند و مروان نامه معاویه را برای عبدالله بن جعفر خواند. عبدالله در پاسخ به مروان گفت که اختیار او با من نیست و با دایمی وی حضرت امام حسین (ع) است. سپس عبدالله ماجرا را برای ابی عبدالله الحسین (ع) عرض کرد. حضرت فرمودند که از خدای متعال استخاره خواهم نمود و فرمودند «اللهم وفق لهذه الجارسة رضاك من آل محمد». آنگاه حضرت مسجد رسول اکرم (ص) را محل خواستگاری تعیین فرمودند و بزرگان مدینه در مسجد جمع شدند. سپس مروان بن حکم وارد گشت و در کنار ابی عبدالله الحسین (ع) جلوس نمود و اعلام داشت که امیرالمؤمنین به من امر کرده از ام کلثوم دختر عبدالله بن جعفر برای پسرش یزید خواستگاری نمایم و مهر دختر را به دستور و پیشنهاد پدرش، هر مبلغی که بخواهد قرار دهم. دیگر آنکه تمام بدهی پدرش عبدالله را ادا کنم تا این وصلت بین بنی هاشم و بنی امیه باعث دوستی گردد و به مخاصمتها پایان بخشد و من می دانم آن مقدار از مردم که به یزید غبطه می ورزند بیشتر از کسانی اند که به شما آرزو می برند و یزید مانند و همتائی ندارد. سپس سخنان خود را به پایان رساند و از ابی عبدالله الحسین (ع) تقاضای جواب مثبت کرد. سپس حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) در پاسخ مروان بن حکم فرمودند: الحمد لله الذی اختارنا لنفسه و ارتضانا لذینه و اصطفانا علی خلقه... مروان شنیدیم آنچه را که به زبان آوردی و اینکه گفتی مهر او به هر مبلغی که پدرش بخواهد، اما ما در تعیین مهر هرگز از سنت پیامبر اکرم (ص) تجاوز نخواهیم کرد و آن هم دوازده اوقیه معادل چهار صد و هشتاد درهم است. اما در مورد پرداخت بدهی پدرش باید بگوییم که دخترهای ما فرضهای پدرهایشان را پرداخته اند و در خصوص صلح بین بنی هاشم و بنی امیه، دشمنی ما با شما در امر دین است نه به جهت دنیا و ما دین را به دنیا مصالحه نخواهیم کرد و اینکه گفتی عجب است که از برای مثل یزید کسی طلب مهر بنمایند، بدان کسی که از یزید و پدر و جد یزید بهتر بود، طلب مهر کرد و اینکه گفتی یزید همتائی ندارد در واقع حکومت و امارت بر شرافت وی چیزی زیاد نکرده است و مردمی که گفتی به یزید بیشتر غبطه می ورزند اهل جهل هستند و به ما اهل عقل آرزو می برند. سپس حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) فرمودند ای مردم شاهد باشید من تزویج نمودم ام کلثوم دختر عبدالله بن جعفر را به پسر عموی وی قاسم بن محمد بن جعفر به مهر چهار صد و هشتاد درهم و مزرعه خود را در زمین عقیق که غله آن در سال هشت هزار درهم است به آنان بخشیدم جهت معیشت آنها. در این هنگام رنگ صورت مروان بن حکم متغیر گشت و بسا خشم تمام گفت ای بنی هاشم به من غدر کردید و با من دشمنی نمودید. حضرت

خود حمیده از ملتزمین رکاب برادر خود سیدالشهداء (ع) بوده مخصوصاً کسه همسر وی مسلم بن عقیل قبلاً به عنوان سفیر ابی عبدالله الحسین (ع) در کوفه به سر می برد. سید محسن امین می نویسد: «... وی احق از زنان دیگر بود که با برادر خود ابی عبدالله الحسین (ع) از حجاز راهی عراق گردد و ممکن است وی ام کلثوم الصغری باشد».

منابع: ریاحن الشریعة، ۲۹۹/۳-۳۰۵، عمدة الطالب، ۳۲؛ اللهوف فی قتلی الطفوف، ۳۶، ۶۷؛ اعیان الشیعة، ۴۸۴/۳.

ام کلثوم، دختر علی بن ابی طالب (ع) و فاطمة زهرا (ع) و نواده رسول خدا (ص). او را به نام خاله اش، دختر پیغمبر (ص) و خدیجه (ع)، نام گذاری کرده بودند. زینب کبری خواهر او هم دختر خود را ام کلثوم نامید. درباره تاریخ ولادت او خبر قطعی در دست نیست. نوشته اند که قبل از رحلت رسول الله (ص) متولد شده بود. مشهور است که عمر این الخطاب او را از حضرت علی (ع) خواستگاری کرد و با کابین چهل هزار درهم به زوجیت خود در آورد (سال ۱۷ یا ۱۸ ق). وی هشتمین و آخرین همسر عمر بود و برای او دختری به نام رقیه و پسری به نام زید به دنیا آورد. بعد از قتل عمر (۲۳ ذی الحجة ۲۳ ق) به نکاح عون بن جعفر بن ابی طالب و بعد از شهادت او به زوجیت محمد بن جعفر بن ابی طالب درآمد و چون او هم شهید شد همسر برادر سوم ایشان عبدالله گشت و در خسانه او وفات یافت (۴۹ ق). ام کلثوم جز عمر از سایر شوهران فرزندی نیاورد.

آنچه در بالا ذکر شد قول محدثین و مورخین اهل سنت مثل زبیر بن بکار و ابن سعد زهری و ابن قتیبه دینوری و ابن عبدالبر قرطبی و ابن اثیر و ابن خلکان و ابن حجر است که گاهی در کتب علمای شیعه هم تکرار شده است. اما به موجب روایات معارض و دلائل عقلی و سنتی، اکثر علمای شیعه خبر ازدواج ام کلثوم را بسا عمر درست نمی دانند. همچنین مهریه چهل هزار درهم را که صد برابر مهر فاطمة زهرا (ع) و بر خلاف سیره علی (ع) و اقوال عمر هر دو بود غیر قابل قبول تلقی می کنند و بعلاوه ازدواج با محمد بن جعفر را بر خلاف صریح تاریخ می شمارند.

منابع: الطبقات الکبری، ۴۶۳/۸-۴۶۴؛ الاستیعاب، ۴۶۷/۴؛ اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ۶۱۴/۵؛ الاصابة فی تمییز الصحابة، ۲۹۷/۸؛ جوامع السیرة، ابن حزم اندلسی، ۴۵؛ المعارف، ابن قتیبه دینوری، ۷۹؛ ناسخ النوادیع، ج ۲، ک ۴۳۳/۲؛ اضمحلال الاعداء و الضوم بنکذیب ما افزوه علی سبذنا ام کلثوم، سید ناصر حسین موسوی لکنوی، تهران، مکتبه نینوی؛ ادد دایرة معارف اسلامیه، ۲۵۳/۳، مقاله غلام رسول مهر.

ام کلثوم، دختر علی بن ابی طالب (ع) ← زینب کبری، دختر علی بن ابی طالب (ع).

أخبار النساء في كتاب الأغاني

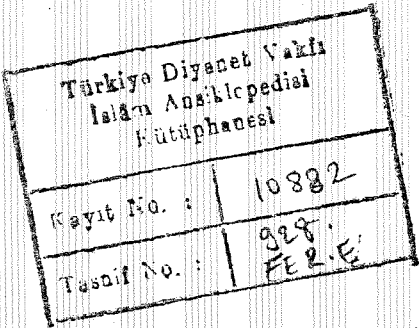
لأبي الفرج الأصفهاني

٥٣٥٦ - ٩٦٧ هـ

200268-?

Ummü Gülsüm (Yezidin Hanımı)
bint Abdullah b. Amir
32-33

13 MAYIS 1991



جمع وشرح
عبد التيرحمنا

مؤسسة الكتب الثقافية

المسلمين، وكان ابنه يزيد مصطبحاً^(١) بدير مران^(٢) مع زوجته أم كلثوم^(٣) فبلغه خبرهم فقال: إذا ارتفعت على الأنماط^(٤) مصطبحاً بدير مران عندي أم كلثوم فما أبالي بما لاقت جنودهم بالغذقذونة^(٥) من حمى ومن موم فبلغ شعره أباه، فقال: أجل، والله ليلحقن بهم فليصبيه ما أصابهم. فخرج حتى لحق بهم، وغزا حتى بلغ القسطنطينية، فنظر إلى قبتين مبنيتين عليهما ثياب الدياتج، فإذا كانت الحملة للمسلمين ارتفع من إحداهما أصوات الدفوف والطبول والمزامير، وإذا كانت الحملة للروم ارتفع من الأخرى، فسأل يزيد عنهما فقيل له: هذه بنت ملك الروم^(٦)، وتلك بنت جبلة بن الأيهم^(٧)، وكل واحدة منهما تظهر السرور بما تفعله عشيرتها، فقال: أما والله لأسرنها، ثم صفت العسكر، وحمل حتى هزم الروم، فاحجرهم في المدينة، وضرب باب القسطنطينية بعمود حديد، كان في يده، فهشنه حتى انخرق، فضرب عليه لوح من ذهب، فهو عليه إلى اليوم.

أم هشام (*)

بنت عبد الله بن عمر بن الخطاب

... عن عمرو بن جبلة الباهلي، قال:

تزوج عبد الرحمن بن سهيل بن عمرو أم هشام بنت عبد الله بن عمر بن الخطاب، وكانت من أجمل نساء قريش، وكان يجد بها وجداً شديداً، فمرض مرضته التي هلك فيها، فجعل يديم النظر إليها وهي عند رأسه، فقالت له: إنك لتنظر إليّ نظر رجل له حاجة. قال:

(١) مصطبحاً: يشرب الصبوح وهو خمرة الصباح.

(٢) دير مران: بالقرب من دمشق.

(٣) أم كلثوم: هي بنت عبد الله بن عمر بن الخطاب.

(٤) ارتفعت على الأنماط: اتكأت على البسط.

(٥) غذقذونة: اسم جامع للشعر الذي منه المصيصة وطرسوس وغيرهما.

(٦) ملك الروم: هو هرقل.

(٧) جبلة بن الأيهم: آخر ملوك الغساسنة في بادية الشام. قاتل المسلمين في دومة الجندل. وحضر وقعة اليرموك وهو على مقدمة عرب الشام من لخم وجذام وغيرهما في جيش الروم. توفي سنة ٢٠ هـ.

(٨) راجع الأغاني ج ١٣ ص ٤٣ و ٤٤

امرأة بني عامر (*)

مسيبه حرب الفجار

كان السبب الذي من أجله وقعت حرب الفجار - اليوم الثاني من أيام الفجار الأول^(١) أن شاباً من قريش وبني كنانة كانوا ذوي غرام، فأوا امرأة من بني عامر جميلةً وسيمةً، وهي جلانة بسوق عكاظ في درع^(٢) وهي فضل^(٣) عليها برقع لها، وقد اكتشفها^(٤) شباب من العرب، وهي تحدتهم، فجاء الشباب من بني كنانة وقريش، فأطافوا بها، وسألوها أن تسفر، فأبت، فقام أحدهم، فجلس خلفها، وحل طرف رداها، وشده إلى فوق حجزتها^(٥) بشوكة، وهي لا تعلم، فلما قامت انكشف درعها عن دبرها^(٦)، فضحكوا، وقالوا: منعنا النظر إلى وجهك وجدنا لنا بالنظر إلى دبرك، فنادت: يا آل عامر! فثاروا، وحملوا السلاح، وحملته كنانة، واقتتلوا قتالاً شديداً، ووقعت بينهم دماء، فتوسط حرب بن أمية^(٧)، واحتمل دماء القوم، وأرضى بني عامر من مثلة^(٨) صاحبته.

أم كلثوم (*) زوجة

يزيد بن معاوية

عن أبي عبيدة، قال:

إن معاوية وجه جيشاً إلى بلد الروم ليغزو الصائفة^(٩)، فأصابهم جدرى، فمات أكثر

(*) راجع الأغاني ج ٢٢ ص ٦٠.

(١) أيام الفجار هي أيام كانت بين قيس وقريش. وقيل: أيام الفجار أيام وقائع كانت بين العرب تفاجروا فيها بعكاظ فاستحلوا الحرمات، وإنما سميت فجاراً لأنها كانت في الأشهر الحرم (راجع اللسان ج ٥ ص ٤٨).

(٢) الدرع: الثوب.

(٣) فضل: مختلة.

(٤) اكتشفها: أحاط بها.

(٥) الحجزة: موضع شد الإزار من الوسط.

(٦) الدبر: المؤخرة، الإست.

(٧) حرب بن أمية: من قضاة العرب في الجاهلية، وهو جد معاوية بن أبي سفيان توفي سنة ٣٦ ق. هـ.

(٨) المثلة: الأفة أو اللذاب.

(٩) راجع الأغاني ج ١٧ ص ٢١١ وما بعدها.

(٩) الحملة في الصيف.